

The Attitude of Islamic Jurisprudence towards Intentional Abortion in Ensuring the Physical and Psychological Security of Muslim Women

Tayebeh Hayati 

Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Hoda Faculty of Theology and Islamic Studies; Level 3 Scholar of Jurisprudence and Principles, al-Zahraa University (S), Qom, Iran. t.hayati.313@gmail.com

Abstract

Security and the relative sense of freedom from danger play a foundational and essential role in human life, resulting in both physical and psychological security and tranquility. In this context, the family, as the primary social institution, holds a pivotal role in establishing and enhancing the security of human society. Among the most important programs in Islam for preserving the sanctity, dynamism, and security of the family are the exhortations and recommendations to marry, the encouragement of couples to have children, and the nurturing of pure and righteous offspring. The primary objective of this research is to increase women's awareness of the prescriptive religious rulings concerning deliberate abortion. In contemporary societies, changes in family structure and a declining birth rate are viewed as threats to family stability and societal security. This issue is particularly significant because, despite the importance of the sanctity of life in Islam and the presence of religious prohibitions and legal restrictions against deliberate abortion, the reality in Iranian society shows that the rate of intentional abortion is increasing. Given that this phenomenon has serious consequences, jeopardizing the physical and psychological health and security of women, families, and society, the evidence and prescriptive rulings regarding deliberate abortion have been thoroughly examined. The present article employs a descriptive-analytical method to examine the evidence supporting the prohibition of abortion and the associated religious rulings. Based on conducted research and empirical studies, there is a consistently observed strong correlation between the intensity of individuals' religious beliefs and their tendency to refrain from performing deliberate abortions. These findings suggest that a deeper spiritual conviction significantly influences this critical ethical decision. Therefore, raising comprehensive awareness and systematically improving families' understanding—particularly that of women—regarding definitive religious rulings and ethical guidelines on abortion plays a significant and impactful role in preventing its occurrence within the community. Based on the research findings, the general perspective of Shiite jurisprudence—derived from Quranic verses, narrations, and rational evidence—is the impermissibility or prohibition of abortion at all stages of fetal development, both before and after ensoulment. The only distinction made between the period before ensoulment and

Cite this article: Hayati, T. (2025). The Attitude of Islamic Jurisprudence towards Intentional Abortion in Ensuring the Physical and Psychological Security of Muslim Women. *Social-Cultural Studies of Hawzah*. 9(2), p. 157-178.
<https://doi.org/10.22034/scs.2025.71828.1421>

Received: 2025-03-28 ; **Revised:** 2025-05-11 ; **Accepted:** 2025-06-19 ; **Published online:** 2025-10-02

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



<https://gnoe.bou.ac.ir/>



after ensoulment is that, before four months and ensoulment, some jurists permit abortion in specific cases based on certain secondary considerations. In contrast, after four months and ensoulment, abortion is absolutely forbidden.

Keywords: Security, Family, Abortion, Fetus, Ensoulment, Sanctity of Abortion.

نگرش فقه اسلامی به سقط جنین عمدی در تأمین امنیت جسمی و روان‌شناختی زن مسلمان

طیبه حیاتی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی؛ دانش‌پژوه سطح ۳ فقه و اصول، جامعه الزهراء(س)، قم، ایران. t.hayati.313@gmail.com

چکیده

امنیت و احساس نسبی رهایی از خطر، نقش زیربنایی و بنیادی در حیات انسان دارد که رهاورد این احساس، امنیت و آرامش جسمی و روانی است. در این میان، خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش محوری در ایجاد و ارتقای امنیت جامعه انسانی دارد؛ از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام برای حفظ امنیت، قداست و پویایی خانواده، توصیه و سفارش به ازدواج، تشویق زوجین به فرزندآوری و تربیت نسل پاک و صالح است. هدف اصلی از این پژوهش، آگاهی‌بخشی به زنان درباره احکام تکلیفی سقط جنین عمدی است. در جوامع کنونی تغییر در ساختار خانواده و کاهش تعداد فرزندان، تهدیدی برای امنیت خانواده و جامعه محسوب می‌شود؛ چه آنکه علی‌رغم اهمیت مسئله حیات در اسلام و همچنین وجود ممنوعیت‌های مذهبی و مانع‌های قانونی سقط عمدی، واقعیت جامعه ایران حاکی از آن است که میزان سقط‌جنین عمدی در کشور روبه‌افزایش است. از آنجاکه این پدیده آثار و تبعات زیادی به دنبال خود آورده و سلامت و امنیت جسمی و روانی زن، خانواده و جامعه را با مشکل مواجه می‌کند، به بررسی ادله و احکام تکلیفی سقط جنین عمدی پرداخته شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، ادله حرمت سقط‌جنین و احکام تکلیفی مترتب بر آن را بررسی می‌نماید. براساس پژوهش‌های انجام شده، بین میزان اعتقادات مذهبی افراد و عدم اقدام به سقط‌جنین عمدی ارتباط و همبستگی بالایی وجود دارد؛ به همین جهت آگاهی‌بخشی و افزایش بینش خانواده و به خصوص زنان نسبت به احکام تکلیفی سقط جنین، نقش قابل توجهی در پیشگیری از انجام سقط دارد. براساس نتایج پژوهش، دیدگاه کلی فقه شیعه براساس آیات، روایات و ادله عقلی، عدم جواز یا حرمت سقط‌جنین در هر یک از مراحل تطور و تحول جنین قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح می‌باشد. تنها تفاوتی که بین قبل ولوج روح و بعد ولوج روح وجود دارد،

استاد به این مقاله: حیاتی، طیبه (۱۴۰۴). نگرش فقه اسلامی به سقط جنین عمدی در تأمین امنیت جسمی و روان‌شناختی زن مسلمان. مطالعات فرهنگی/اجتماعی حوزه، ۹(۲)، ص ۱۵۷-۱۷۸. <https://doi.org/10.22034/scs.2025.71828.1421>

نوع مقاله: پژوهشی
ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه
نویسندگان دارنده حق‌مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰





این است که در قبل از چهارماهگی و ولوج روح با عروض برخی از عناوین فقها در موارد خاص اجازه سقطجنین را داده‌اند. برخلاف بعد چهارماهگی و ولوج روح که سقطجنین مطلقاً حرام می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: امنیت جسمی، خانواده، سقط، جنین، ولوج روح، فقه اسلامی، امنیت روان‌شناختی.



۱. مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهم و اثرگذار در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی، اجتماعی، تعامل‌ها و روابط سیاسی، اقتصادی، شغلی و قضایی، «امنیت» و نقش زیربنایی و مهم آن در همه عرصه‌ها است. افراد به دلیل ترس از محرک‌های واقعی، احتمالی یا خیالی به شدت به احساس امنیت، میل دارند. این مسئله بسیار حائز اهمیت است که در قاموس اندیشه سیاسی و اجتماعی اسلام، کمتر واژه‌ای را می‌توان یافت که هم‌سنگ و هم‌ردیف با واژه امنیت قرار گیرد (صمدی ارزگانی، ۱۳۸۷). امام صادق (ع) نعمت امنیت را از اساسی‌ترین نیازهای بشر در زندگی دنیوی شمرده و هیچ‌کس را از آن بی‌نیاز ندانسته و می‌فرماید: سه چیز است که همه مردم بدان محتاج‌اند: اولین آن امنیت، سپس عدالت و رفاه است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۲۳۲). در این روایت، نعمت امنیت به دلیل نقش بنیادی و حیاتی‌اش، بر دیگر نعمت‌ها مقدم شده است؛ چون بسترساز کسب دیگر نعمت‌ها است؛ چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) فرموده است: آسایش و شیرینی مواهب دنیا در پرتو امنیت، لذت‌بخش و گوارا است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۸)؛ در جایی دیگر نیز فرموده است: «هیچ نعمتی گواراتر از امنیت وجود ندارد» (لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۴۴). در این میان، خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای جوامع است که پرداختن به آن، همواره موجب ارتقای امنیت، اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از احساس آرامش و امنیت، حیات حقیقی و سقوط و نابودی او بوده است. اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز و امنیت‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این‌رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت و مأمنی مطمئن برای فرد و جامعه می‌شمارد (شریفی، ۱۳۷۶، ص ۷۲-۷۴) در فرهنگ اسلامی، خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که در آن، ارزش‌های اخلاقی، باورهای دینی و هنجارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ از این‌رو برای حفظ قداست و ارزشمندی خانواده، آموزه‌ها و برنامه‌ریزی‌های بسیاری دارد تا خانواده از امنیت، پویایی و پیوستگی لازم بهره‌مند باشد. از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام برای حفظ امنیت، قداست و پویایی خانواده توصیه و سفارش به ازدواج، تشویق زوجین به فرزندآوری و تربیت نسل پاک و صالح است؛ حال آنکه یکی از پدیده‌های جهان مدرن، افزایش سقط جنین عمدی^۱ و گرفتن حق حیات از نوزادان است. اینگونه از سقط نه فقط در ایران، بلکه در کل جهان از آمار تأسفبار و قابل توجهی برخوردار است و به صورت کلی در ایران تعداد سقط‌های عمدی که به صورت غیرقانونی و غیرشرعی در حال انجام است، عددی بیش از ۳۰۰ هزار در سال است؛^۲ این در حالی است که براساس آموزه‌های اسلامی سقط جنین عمدی با توجه به اهمیت فوق‌العاده موضوع حق حیات و زندگی در اسلام ممنوع است و نه تنها هیچ کس حق ندارد حق حیات را از کسی بگیرد و فردی را از این حق محروم نماید؛

1. Abortion

2. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/03/08/2511544>



بلکه بنابر آیه شریفه «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده، ۳۲) کشتن یک نفر، مساوی کشتن همه انسان‌ها تلقی می‌شود. از آنجاکه این پدیده آثار و تبعات زیاد جسمی و روانی فراوانی همچون افزایش احتمال مرگ مادر، ابتلا به سرطان رحم، سرطان سینه، ناباروری، احساس گناه، اضطراب، افسردگی، سستی پیوند بین زن و مرد و... را به دنبال خود آورده و سلامت و امنیت خانواده و جامعه را با مشکل مواجه می‌کند، ضرورت تحقیق در خصوص دیدگاه اسلام نسبت به سقط جنین عمدی و احکام تکلیفی مترتب بر آن مشخص می‌شود. بر همین اساس این تحقیق درصدد بیان ادله حرمت سقط جنین از منظر اسلام و حکم تکلیفی سقط جنین عمدی به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در تأمین و ارتقای امنیت جسمی و روانی خانواده می‌باشد. چه آنکه براساس پژوهش‌های انجام شده بین میزان اعتقادات مذهبی افراد و عدم اقدام به سقط جنین عمدی، ارتباط و همبستگی بالایی وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد بالا بودن اعتقاد به ارزش‌ها و اعتقادات دینی منجر به نگرش منفی‌تر نسبت به سقط جنین عمدی می‌شود و هرچه باورها و تجربیات دینی در کنش و جنبه‌های عملی زندگی فرد نمود عینی یابد، اثر بازدارندگی بیشتری بر اقدام به سقط جنین عمدی خواهند داشت (موحد، ۱۳۹۳).

۲. پیشینه پژوهش

نظر به اهمیت فقهی مسئله، سقط جنین از منظر حکم وضعی و حکم تکلیفی در کتب فقهی قدما و متأخرین در باب «دیات» مطرح و در کتاب‌هایی همچون «وسائل الشیعه»، «جواهر الکلام»، «عروة الوثقی»، «تحریرالوسیله» و در کتاب‌های مربوط به حقوق و جزا نیز به بحث از کیفر سقط جنین و مباحث حقوقی مرتبط با آن در مراحل مختلف حیات پرداخته شده است. همچنین نظر به اهمیت و توسعه بحث در زمان حاضر، این مسئله در کتاب‌هایی همچون «رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، آراء و مبانی فقهی حقوقی» از محمدصادق طلعتی، «اسلام و تنظیم خانواده» از محمدعلی ایازی و مقالات «حق زن بر کنترل بدن خود» از علیرضا آل بویه، «مطالعه عوامل فرهنگی مرتبط با نگرش نسبت به سقط جنین»، از مجید موحد موردتوجه قرار گرفته، لکن بحث ادله حرمت سقط جنین و احکام تکلیفی آن به صورت دقیق و باتوجه به نقش آن در ایجاد و ارتقاء سلامت و امنیت خانواده و جامعه بیان نشده است.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. مفهوم امنیت

واژه «امنیت»، مصدر جعلی از ماده «امن» است، کلمه امن در لغت به معنای اطمینان خاطر، احساس آرامش و نبود هراس و نگرانی است. بر اساس این تعریف، واژه‌های امن و امنیت، هر دو دربردارنده ابعاد ایجابی و سلبی است؛ یعنی از یک سو، بیانگر اطمینان و آرامش روانی و از سوی دیگر بیانگر نبود ترس و نگرانی هستند. امنیت به معنای احساس نسبی رهایی از خطر است. رهاورد این



احساس، حالتی خوشایند است که آرامش جسمی و روانی را به دنبال دارد (شاملو، ۱۳۷۸، ص ۹۱).

۳-۲. مفهوم سقط

واژه «سقط» از ریشه «سَقَطَ يَسْقُطُ»، از مصدر عربی «سقوطاً» گرفته شده و به معنای افتادن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۸۶)، افتادن از بالا به پایین (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۸۰) است که به اعتبار مصادیق، معانی مختلفی همچون از چشم مردم افتادن (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۳۰۰)، غروب کردن (همان)، فرود آمدن (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۸۴)، از شکم مادر افتادن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۷۲)، ثمره و خرماي نخل که به پایین سقوط می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۴) و... برای آن بیان شده است.

۳-۳. مفهوم جنین

واژه جنین از ریشه «جن، يَجُنُّ، جَنًّا و جُنُونًا و جَنَانًا» و بر وزن فَعِيل بوده که در اصل به معنای ستر است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۱۶). از نظر پزشکی، به موجود در رحم از هفته سوم تا پایان هفته هشتم، رویان^۱ و پس از آن، جنین^۲ گفته می‌شود (سادلر، ۲۰۱۹م، ص ۹۸). در منابع فقه اسلامی، شهید ثانی در تعریف جنین اینچنین بیان می‌کند «الجنین و هو الولد مادام فی البطن» (عاملی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۲۱۱). یعنی جنین به فرزند گفته می‌شود تا زمانی که در رحم مادر است. در بعضی از کتب از لفظ حمل به جای جنین استفاده شده و اینچنین آمده است که: «الحمل، ما فی البطن من ولد» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۴۱)؛ یعنی حمل، فرزند در رحم است. برخی از فقهاء تعریف شهید ثانی از مفهوم جنین را تفصیل بیشتری داده و آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «الْجَنِينُ وَ هُوَ الْوَلَدُ فِي الْبَطْنِ مُطْلَقًا حَلَّ فِيهِ الْحَيَاةُ أَمْ لَا» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۴۳۴؛ حسینی روحانی قمی، ۱۳۹۲، ج ۲۴، ص ۴۷۵؛ وجدانی فخر، بی‌تا، ۱۵، ص ۳۴۲). همچنین از دیدگاه دین مبین اسلام و به موجب آیات قرآن (سجده، ۷-۹؛ حجر، ۲۸-۲۹؛ مؤمنون، ۱۲-۱۳) و روایت وارده (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۴۳، ص ۳۵۶؛ نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۸، ص ۳۶۹) در سیر آفرینش انسان دو دو بعد یا نشته وجود دارد؛ بعدی مادی یا منشاء خاکی و بعد معنوی یا منشاء روحانی که در تفاسیر از این نشته به مرحله ولوج روح یا نقطه آغاز حیات انسانی و تبدیل جنین به نفس انسانی تعبیر شده است.

۳-۴. مفهوم سقط جنین

سقط جنین به افتادن جنین از درون شکم مادر معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۱۶).

1. Embryo

2. Fetus



از منظر فقهی، شهید صدر سقط را اینچنین تعریف نموده: «هُوَ الْجَنِينُ الْمَوْلُودُ قَبْلَ كَمَالِ خَلْقِهِ وَغَالِبًا مَا يُوَلَّدُ مِيتًا» (صدر، ۱۴۳۰ق، ج ۸، ص ۵۰۵)؛ جنین متولد شده قبل از کامل شدن خلقتش؛ که غالباً به صورت مرده خارج می‌شود. البته گاهی به‌جای واژه «سقط» (اسقاط) در فقه از لفظ «إجهاض» استفاده می‌شود. لفظ «إجهاض»، مصدر باب افعال و از ریشه «أجهض يجهض إجهاضاً» است. مقصود از إجهاض، افتادن یا انداختن جنین قبل از رشد کامل آن است و در قانون از آن به‌عنوان تجاوز بر جنین و سلب حیات او تعبیر شده است (جرجس، ۱۹۹۶م، ص ۲۲). إجهاض از گناهان کبیره بوده و موجب دیه خواهد بود (مرعی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰). سقط‌جنین در اصطلاح پزشکی به اخراج قبل از موعد جنین به‌نحوی که قابل زیستن نباشد، اطلاق می‌گردد (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۱۹). با توجه به دو معیار اجازه قانون و تعمدی بودن، سقط جنین به دو دسته کلی سقط جنین غیرارادی و سقط جنین ارادی تقسیم می‌شود (همان، ص ۲۰). سقط‌های عمدی، سقط جنین انتخابی یا داوطلبانه است که بنا به خواست زن یا رضایت او و به دلایل غیرپزشکی است که از مصادیق سقط جنایی است و جرم تلقی می‌شود. حاملگی‌های ناخواسته، تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، محل زندگی، مشکلات اقتصادی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی و دینی، مسائل فرهنگی، کتمان روابط جنسی نامشروع و حفظ آبرو، دلایل و اعتقادات شخصی، از مهم‌ترین و شایع‌ترین عوامل سقط جنین در غیر از ضرورت‌های پزشکی است که می‌تواند شامل مصادیق متعددی باشد (همان، ص ۲۶ - ۲۷).

۴. ادله حرمت سقط‌جنین

سقط‌جنین به سه نوع خود به خودی (عادی یا مرضی)، عمدی درمانی و عمدی جنایی تقسیم می‌شود. در سقط‌جنین خود به خودی، باتوجه به عدم دخالت اراده شخص در آن و حصول آن به‌رغم تمایل، زوجین مسئولیتی به لحاظ فقهی متوجه آنان نیست؛ لکن در سقط‌جنین عمدی از نظریات فقه‌های شیعه چنین برمی‌آید که تکون انسان از زمان استقرار نطفه در رحم آغاز می‌شود و از همان آغاز به‌وجود آمدن نطفه و استقرار آن در رحم، احکام مختلفی بر آن مترتب می‌شود. با چنین نگرشی، دیدگاه کلی فقه شیعه، عدم جواز یا حرمت سقط‌جنین در هر یک از مراحل تطور و تحول جنین می‌باشد. در میان فقه‌های بزرگ شیعی، شیخ صدوق در بحث غسل حیض و نفاس، متعرض این مسئله شده است که هرگاه زنی یک ماه حیض نشود، درست نیست برای حیض شدن دارو بخورد؛ زیرا وقتی نطفه در داخل رحم قرار گیرد، به علقه تبدیل می‌شود سپس به مضغه و آنگاه به آنچه خداوند بخواهد؛ و هرگاه نطفه در غیر رحم قرار گیرد، چیزی از آن آفریده نمی‌شود؛ پس، هرگاه زنی به مدت یک ماه حیض نشود و روزهای عادت وی سپری شود، نباید دارو بخورد (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۴). علامه مجلسی در توضیح کلام ایشان و به استناد روایت صحیح که کلینی نقل نموده است (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۰۸) می‌گوید:



«روایت بر حرمت خوردن دارو به منظور صورت گرفتن حیض دلالت دارد و آن در جایی است که گمان باردار شدن می‌رود؛ زیرا ظاهر حدیث آن است که بند آمدن خون بر اثر بارداری، اگر ظهور نداشته باشد، دست‌کم احتمال آن وجود دارد و اسقاط فرزند حرام و بلکه از گناهان کبیره است، از این‌رو باید راه احتیاط در پیش گرفت» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۷). بنابراین، در شریعت مقدس اسلام، اسقاط جنین مطلقاً، حتی اگر نطفه یک‌روزه باشد، حرام شده است که در ادامه مهم‌ترین ادله‌ای که بر حرمت سقط جنین اقامه شده، بیان می‌شود.

۴-۱. آیات

♦ آیه ۳۳ سوره مبارکه اسراء: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»، «و کسی را که خداوند خونس را حرام شمرده، جز به حق، به قتل نرسانید». این آیه دلالت بر کشتن هر انسان و نفس محترمه‌ای دارد، البته این آیه اخص از مدعا است و فقط حرمت سقط جنین بعد از چهارماهگی و ولوج روح را که عنوان نفس و انسان صادق است، ثابت می‌کند.

♦ آیه ۳۱ سوره مبارکه اسراء: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خِطَاءً كَبِيرًا»، «و فرزندانان را از ترس فقر به قتل نرسانید، ما آنها و شما را روزی می‌دهیم، به یقین کشتن آنها گناه بزرگی است».

♦ آیه ۱۲ سوره ممتحنه: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعُكَ عَلَى أَنْ لَا يُسْرِكَنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزِينْنَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ»، «ای پیامبر هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند، تا با تو بیعت کنند که چیزی را همتای خدا قرار ندهد و دزدی و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند». علامه طباطبایی در ذیل آیه سوره ممتحنه می‌گوید: معنای آیه این است که فرزندان خود را به وسیله زنده‌به‌گور کردن و سقط جنین نکشید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۷۹). همچنین آیت‌الله سبحانی در منشور جاوید می‌گوید: «از آنجا که عرب جاهلی به وسایل امروزه پزشکی مجهز نبود و از وضع جنین در رحم مادر آگاهی نداشت و نمی‌دانست جنین دختر است یا پسر؛ از این جهت بردباری به خرج می‌داد تا جنین چشم به جهان بگشاید. سپس دست خود را به خون جگر گوشه‌اش آلوده سازد، ولی بشر امروز گام به‌پیش نهاده و باکمال قساوت آماده می‌شود که جگر گوشه خود را در رحم قطعه‌قطعه سازد و او را سقط نماید» (سبحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۰). البته در استدلال به این آیه اشکال می‌شود که موضوع حرمت در آیه قتل اولاد است و قتل اولاد هم غیر سقط جنین است؛ زیرا اولاد که جمع ولد است، از ماده ولادت بوده و بر جنین تا زمانی که در رحم است، ولد گفته نمی‌شود (محسنی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۵۹)؛ زیرا هنوز ولادت و زایمان صورت نگرفته و بر سلب حیات جنین سقط و اجهاز اطلاق می‌شود، نه قتل؛ از این‌رو، در بحث ارث فقهای عظام تأکید کرده‌اند که ارث بردن خلاف قاعده است؛ چون حقیقتاً او ولد نیست و از باب دلیل خاص و حکم تعبدی می‌باشد.

۴-۲. روایات

مهم‌ترین ادله‌ای که بر حرمت سقط‌جنین اقامه شده، روایات است؛ روایات معتبره زیادی در کتب حدیثی شیعه دلالت بر حرمت سقط‌جنین به نحو مطلق دارد که به دسته‌هایی تقسیم می‌شوند. در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

♦ دسته اول روایاتی که بر حرمت سقط‌جنین به نحو مطلق و در تمام مراحل دلالت می‌کند، از جمله، در صحیحه رفاعه بن موسی النحاس آمده است: «إِبْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَشَرِّي الْجَارِيَةِ فَرِيماً إِحْتِسَبَ طَمُئُهَا مِنْ فَسَادِ دَمٍ أَوْ رِيحٍ فِي الرَّحِمِ فَتُسْقَى الدَّوَاءَ لِذَلِكَ فَتَقُتَّمَتْ مِنْ يَوْمِهَا أَفِيحُورٌ لِي ذَلِكَ وَ أَنَا لَا أَذْرِي ذَلِكَ مِنْ حَبَلٍ هُوَ أَوْ مِنْ غَيْرِهِ فَقَالَ لِي لَا تَفْعَلْ ذَلِكَ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّهُ إِنَّمَا إِزْتَفَعَ طَمُئُهَا مِنْهَا شَهْراً وَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ مِنْ حَبَلٍ إِنَّمَا كَانَ نُطْفَةً كَنُطْفَةِ الرَّجُلِ الَّذِي يَعْزَلُ فَقَالَ لِي إِنَّ النُّطْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ تَصِيرُ إِلَى عِلْقَةٍ ثُمَّ إِلَى مُضْغَةٍ ثُمَّ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِنَّ النُّطْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي غَيْرِ الرَّحِمِ لَمْ يُخْلَقْ مِنْهَا شَيْءٌ فَلَا تَسْقِهَا دَوَاءً إِذَا إِزْتَفَعَ طَمُئُهَا شَهْراً وَ جَارَ وَفَتْهَا الَّذِي كَانَتْ تَطْمُتُ فِيهِ» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۰۸؛ حرّعاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۸). مطابق روایت، گویا سائل گمان می‌کرده رخصتی که در باب عزل وارد شده، شامل نطفه نیز می‌شود، پس مستلزم جواز اسقاط آن به وسیله خوردن یا آشامیدن داروست؛ لذا باتوجه به سؤال وی مبنی بر این جواز و نهی صریح امام در بخش اول سؤال از اسقاط نمودن نطفه حتی در صورت احتمال بارداری تا چه رسد به علم به بارداری حرمت مؤکد این عمل آشکار می‌شود، به گونه‌ای که در مورد شک و احتمال هم باید احتیاط کرد. از طرفی وقتی راوی مورد سؤال را با مورد عزل منی مقایسه می‌کند، امام میان آن دو تفاوت می‌گذارد، به این بیان که نطفه در رحم مبدأ آفرینش انسانی و تبدیل نطفه به علقه سپس به مضغه و سپس الی ماشاء الله است و حال آنکه نطفه خارج رحم بدین صورت نیست. لذا، باتوجه به دو نهی «لا تفعل» و «فلا تسقها» در صدر و ذیل روایت و دیگر قرائن موجود، اسقاط نطفه‌ای که آغاز پیدایش و تکون انسانی است، حرام است؛ پس اسقاط در مراحل بعدی تطوّر جنین به طریق اولی نیز حرام است (مؤمن، ۱۴۱۵ق، ص ۷۰).

♦ دسته‌ای دیگر از اخبار معتبر وجود دارد که بر وجوب تأخیر سنگسار زن زناکار باردار تا هنگام وضع حمل دلالت دارند. از این روایات چنین فهمیده می‌شود که علت تأخیر در اجرای حد، لزوم حفظ حرمت زندگی جنین است، هرچند متعلق به شخص زانیه باشد. این در حالی است که ائمه فرموده‌اند: «لیس فی الحدود نظر ساعة» (حرّعاملی، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۴۷)؛ یعنی در اجرای حدود لحظه‌ای تأخیر جایز نیست. از جمله این روایات، روایت موثقه عمار ساباطی است که از امام صادق (ع) درباره زن شوهرداری که زنا کرده و باردار است، سؤال می‌کند و امام می‌فرماید: «تقر حتى تضع ما فی بطنها وترضع ولدها، ثم ترجم» (همان، ص ۱۰۶)، «رها می‌شود، تا آنچه را در شکم دارد، به دنیا آورد و بچه‌اش را شیر دهد، آنگاه سنگسار می‌شود». روایت، بر تأخیر وجوب حدّ دلالت دارد و موضوع آن زن باردار است و



این تمام مراحل حمل را دربرمی‌گیرد؛ یعنی از مرحله نطفه تا زمانی که به جنین کامل تبدیل شود؛ لذا، این روایت، بر لزوم حفظ حیات جنین و حرمت از بین بردن آن در هر مرحله‌ای دلالت دارد.

♦ دسته دیگری از روایات که بر حرمت سقط جنین دلالت دارد، روایاتی است که می‌گویند چنانچه مادر فرزند خود را سقط نماید، قاتل بوده و باید دیه پردازد و خودش نیز از آن دیه ارث نمی‌برد. برای نمونه در صحیح ابوعبید آمده است: از امام باقر(ع) درباره زنی سؤال کردم که دارویی نوشیده، درحالی که باردار بوده و شوهرش از این موضوع آگاهی نداشته، پس بچه‌اش را انداخته است. گفت: پس امام فرمودند: اگر حمل او به مرحله استخوان‌بندی رسیده و گوشت بر آن روییده باشد، بر ذمه زن است دیه‌ای که آن را به پدر آن بچه می‌پردازد و اگر زمانی که آن را انداخته، علقه یا مضغه بوده باشد، بر ذمه زن چهل دینار یا غره است که آن را به پدر بچه می‌پردازد. عرض کردم آیا این زن از دیه فرزندش ارث نمی‌برد؟ امام فرمودند: خیر، زیرا او را کشته است؛ از این رو از وی ارث نمی‌برد (حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۶، ص ۳۱؛ کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۱۴۱). حکم امام در روایت به اینکه آن زن از دیه ارث نمی‌برد و تعلیل به اینکه وی کشنده فرزندش است، بر حرمت عمل او دلالت می‌کند. از این رو، امام واژه قتل را برای عمل آن زن به کار برده و حرمت قتل نیز واضح و در شمار گناهان کبیره است. افزون بر این روایات، برخی نیز گفته‌اند: به‌طور کلی ادله جعل دیه بر اسقاط نطفه و مراحل بعد از آن، به حرمت تکلیفی سقط جنین اشعار دارد (خرازی، ۱۴۲۰ق، ص ۴). بر همین اساس می‌توان گفت روایاتی که دلالت بر ثبوت دیه در جنایت بر مادری که موجب سقط جنین او بشود دارد که ثبوت دیه، کاشف از جنایت و حرمت عمل می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۸۶؛ سیستانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۳) همانند روایت حسین بن مهران که در آن شخص ضارب با لگد زدن به زن موجب سقط جنین او شده بود و امام حکم به ثبوت دیه نموده است (حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۹، ص ۴۰۲).

۴-۳. عقل

شکی نیست که قتل و کشتن و از پای درآوردن چیزی که در آستانه انسان شدن است، در دیدگاه خرد و عقل ظلم حساب می‌شود؛ چراکه سقط جنین تعدی نسبت به کسی است که قدرت دفاع از خویش را ندارد. سقط جنین نوعی ابطال و نابود کردن ماده حیات انسانی بوده و این امر در نظام تکوین و تشریع مذموم است. پس، سقط جنین ظلم بوده و قبیح ظلم یکی از احکام مستقلات عقلیه است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۳۰۹).

۵. حکم تکلیفی سقط جنین

بنا بر نظر فقهای شیعه، مبدأ نشو و تګون انسانی از همان آغاز یعنی مرحله نطفه است و به مقتضای اطلاق روایات، رضایت زن یا شوهر یا هر دو در حکم تکلیفی و حرمت عمل سقط جنین مداخلیتی ندارد.



همچنین میان مرحله نطفه با مراحل بعدی به لحاظ حکم تکلیفی یعنی سقط جنین تمایزی نیست؛ هرچند به لحاظ حکم وضعی و مقادیر دیه تفاوت وجود دارد؛ لذا، از مجموعه روایات حرمت سقط جنین به نحو مطلق در شریعت اسلامی استفاده می‌شود و در حرمت سقط جنین فرقی بین قبل ولوج روح و بعد ولوج روح نمی‌باشد. تنها تفاوتی که بین قبل ولوج روح قبل چهارماهگی و بعد ولوج روح می‌کند، این است که در قبل از چهارماهگی و ولوج روح با عروض برخی از عناوین مجوزة فقها در موارد خاص اجازه سقط جنین را داده‌اند، برخلاف بعد چهارماهگی و ولوج روح که سقط جنین تحت هر شرایطی حرام می‌باشد. از این رو به برخی از عناوین که ادعا شده با عروض آن‌ها حکم به حرمت سقط جنین قبل از ولوج روح تقیید می‌خورد، اشاره خواهد شد.

۵-۱. سقط جنین قبل از ولوج روح

حکم به حرمت سقط جنین قبل از ولوج روح با عروض برخی از عناوین تقیید می‌خورد که در ادامه به برخی از آن اشاره می‌شود.

۵-۱-۱. سقط جنین و حفظ حیات و سلامتی مادر

امروزه با پیشرفت علم و فن آوری می‌توان علل به‌خطر افتادن جان مادر در دوران بارداری را کشف کرد و از آن با سقط جنین جلوگیری نمود؛ لکن در فقه اسلامی تصریح شده اگر وجود جنین موجب به‌خطر افتادن جان مادر شود، به‌طوری‌که خوف بر سلامتی و زنده ماندن مادر در بین باشد، براساس جریان ادله اضطرار و تمسک به‌قاعده لاضرر، حکم به رفع حرمت سقط جنین و جواز آن، تنها قبل از چهارماهگی و ولوج روح می‌شود (مرتضوی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵-۱۷۶). امام خمینی در این باره می‌گوید: «سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست، مگر آنکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح جایز است» (مسلمی‌زاده، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۹۴۶). همچنین فقها و مراجع معظم تقلید همچون آیات عظام سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۱۵۳)، گلپایگانی (۱۴۱۳ق/ الف، ص ۱۷۳)، تبریزی و خوئی و تبریزی، (۱۴۳۶ق، ج ۹، ص ۲۷۱)، سیستانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سیستانی، بخش استفتانات)، مقام معظم رهبری (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، بخش استفتانات)، صافی گلپایگانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله صافی گلپایگانی، بخش استفتانات)، حکیم (حکیم، ۱۴۳۱ق، ص ۳۵۵)، مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۳۹)، سبحانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سبحانی، بخش استفتانات)، شبیری زنجانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله شبیری زنجانی، بخش استفتانات)، روحانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سید صادق روحانی، بخش استفتانات)، علوی گرگانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله علوی گرگانی، بخش استفتانات) تصریح به جواز سقط جنین برای نجات جان مادر تنها قبل از چهارماهگی نموده‌اند. همچنین



یکی دیگر از موارد و عناوینی که به عنوان موارد جواز سقط جنین مطرح شده، مواردی است که ادامه بارداری و حفظ جنین سلامتی مادر را به خطر می اندازد و موجب وقوع مادر در حرج و سختی شدید یا ضرر فراوان برای سلامتی او در آینده خواهد داشت، مثل اینکه موجب بیماری سخت و صعب العلاج همانند ابتلاء به صرع و تشنجات، کوری و ابتلای به دیابت و یا نقص عضو و... در آینده برای مادر خواهد شد که از آن به سقط درمانی تعبیر می کنند. در این مورد نیز حکم به جواز و مشروعیت سقط جنین تنها قبل از چهارماهگی و ولوج روح براساس قاعده لاجرح (سیستانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۷) و لاضرر (همان، ص ۱۰۶) شده است. فقهای همچون آیات عظام سیستانی (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتانات)، مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۹۳)، فیاض (فیاض، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۴)، روحانی (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید صادق روحانی، بخش استفتانات)، شاهرودی (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید محمد شاهرودی، بخش استفتانات)، سید کاظم حائری (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید کاظم حائری، بخش استفتانات)، تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۴۶)، هاشمی شاهرودی (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، بخش استفتانات) به این مطلب تصریح نموده اند. آیت الله سیستانی می گوید: سقط جنین جایز نیست، مگر اینکه نگه داشتن آن برای مادر ضرری داشته یا مشقت زیاد داشته باشد که در این صورت سقط آن مادامی که ولوج روح صورت نگرفته باشد، مانعی ندارد (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتانات). البته باید توسط پزشک متخصص احراز ضرر و خطر فراوان برای مادر در آینده بشود. البته باید توجه داشت قاعده لاجرح قاعده امتنانی است؛ به این بیان که خداوند متعال بر مکلفین ممت گذاشته و حکمی که منشأ وقوع در حرج و سختی باشد را برداشته است، با اینکه می توانست این کار را نکند و مکلفین را مجبور می کرد تا تکالیف سنگین و سخت را نیز انجام دهند، همان طور که در بعضی امم سابق اینطور بوده است؛ لذا، قاعده لاجرح در موارد امتنان بر مکلفین جاری می شود و باید طوری باشد که از جریان آن خلاف امتنان بر دیگران لازم نیاید؛ لذا، جواز سقط جنین در مورد مذکور منحصر در قبل از ولوج روح است؛ چون برداشتن حرمت سقط جنین برای مادر امتنان و منتی است که بر او گذاشته شده و از این امتنان خلاف امتنان بر دیگران نیز به وجود نمی آید؛ چون قبل ولوج روح و چهارماهگی هنوز انسان و عنوان نفس به وجود نیامده تا خلاف امتنان بر او لازم بیاید؛ لکن همان طور که خواهد آمد، بعد از چهارماهگی قاعد لاجرح به نفع مادر جاری نمی شود؛ چون از جریان قاعده لاجرح خلاف امتنان بر جنین بعد از دمیده شدن روح لازم می آید، چه اینکه بعد از ولوج روح عنوان نفس و انسان صادق است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۳۹۷).

۵-۱-۲. سقط جنین و ناهنجاری های جنین

مجرد بیماری جنین و یا نقص عضو و معلولیت او، مجوز برای سقط جنین نخواهد بود، چه اینکه خود



این امر از اسباب آزمایش و امتحان پدر و مادر او و کسب اجر و ثواب برای آن‌ها خواهد بود. امام خمینی می‌گوید: مجرد ناقص‌الخلقه بودن جنین و مشکلات آن، مجوز شرعی برای سقط جنین حتی قبل از ولوج روح به حساب نمی‌آید (خمینی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۸۷). همچنین فقهای عظام همچون حضرات آیات سیستانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سیستانی، بخش استفتانات)، خامنه‌ای (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، بخش استفتانات)، صافی گلپایگانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله صافی گلپایگانی، بخش استفتانات)، خونی و تبریزی (۱۴۳۶ق، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۴)، فاضل لنکرانی (۱۳۸۶، ص ۱۱۶)، روحانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سید صادق روحانی، بخش استفتانات)، سید محمد شاهرودی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سید محمد شاهرودی، بخش استفتانات) و جوادی آملی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله جوادی آملی، بخش استفتانات) تصریح نموده‌اند که مجرد این امور مجوز سقط جنین نخواهد بود. آیت‌الله سید محمدسعید حکیم در جواب استفتایی مرقوم داشته‌اند که سقط جنین ناقص‌الخلقه جایز نیست و این امور از امتحانات و ابتلائاتی است که حسنات انسان را زیاد می‌نماید و یا کفاره گناهان می‌شود (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله حکیم، بخش استفتانات). البته از نظر برخی فقها اگر ناهنجاری‌های جنین و معلولیت و نقص عضو او در آینده پدر و مادر را متحمل حرج و مشقت شدید غیرقابل تحمل از نظر جسمی وی کند، به‌طوری‌که زندگی بر آنان سخت و دشوار می‌شود، در اینجا قبل از دمیده شدن روح و چهارماهگی با جریان قاعده لاحرج و صدق عرفی حرج و ضیق شدید، می‌توان قائل به جواز و مشروعیت سقط جنین شد. مراجع معظم تقلید همچون حضرات آیات مکارم شیرازی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی، بخش استفتانات)، سیستانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سیستانی، بخش استفتانات) و مقام معظم رهبری (۱۳۸۸، ص ۲۷۹) تصریح به مشروعیت سقط جنین تنها قبل از چهارماهگی به علت بیماری و نقص عضو و معلولیت جنین در صورت تحقق عنوان حرج و مشقت شدید نموده‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌گوید: «اگر تشخیص قطعی داده شود که جنین به‌گونه‌ای ناقص است که برای پدر و مادر و اطرافیان اسباب عسر و حرج شدید می‌شود، مشروط بر اینکه روح در آن دمیده نشده باشد، سقط آن جایز است» (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی، بخش استفتانات). بنابراین، نقص خلقت تنها با سه قید تشخیص قطعی نقص خلقت، حرجی بودن نگهداری از این فرزند و قبل از دمیده شدن روح موجب جواز سقط جنین است.

۵-۱-۳. سقط جنین و حفظ آبرو، حیثیت و شأنت اجتماعی

بارداری ناشی از رابطه نامشروع از مهم‌ترین مواردی است که می‌تواند زن را به سمت سقط جنین غیرقانونی سوق دهد. در چنین شرایطی اگر زنی با رضایت اقدام به زنا کرده و اکنون می‌خواهد به‌خاطر حفظ آبرو و عدم هتک حرمت، اقدام به سقط جنین کند، امکان تمسک به قاعده لاحرج وجود ندارد؛



چراکه در این موارد حکم شرعی موجب وقوع مکلف در حرج و ضرر نشده است؛ بلکه منشأ حرج و ضرر، خود مکلف بوده است. به عبارت دیگر برای جریان قاعده لاجرح فقط صدق عنوان حرج کافی نیست؛ بلکه علاوه بر آن باید حرج مستند به حکم شرعی باشد و حکم شرعی موجب وقوع مکلف در حرج باشد و در محل بحث این طور نیست؛ بلکه سوء اختیار مکلف و اقدام بر معصیت موجب وقوع او در حرج شده است (مرتضوی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۵). امام خمینی در جواب استفتایی اینچنین مرقوم داشته اند «اگر نطفه‌ای با وطی به شبهه و یا زنا محقق شود، برای حفظ آبرو و حیثیت، سقط جنین جایز و مشروع نیست» (مسلمی زاده، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۹۴۷). همچنین فقها و مراجع معظم تقلید همچون آیات عظام گلپایگانی (۱۴۱۳ق/ب، ص ۱۳۷)، خونی و تبریزی (۱۴۳۶ق، ج ۱، ص ۵۳۵)، فاضل لنکرانی (بی تا، ص ۵۰۹)، مکارم شیرازی (۱۴۲۷ق/ب، ج ۱، ص ۴۰۹)، فیاض (۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۴۱)، مقام معظم رهبری (۱۳۸۸، ص ۲۸۰) و سید محمد شاهرودی (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید محمد شاهرودی، بخش استفتانات) به این مطلب تصریح نموده اند. بله؛ اگر در جایی خود زن مقصر نباشد، بلکه با اکراه به او تجاوز شده باشد و عنوان تجاوز به عنف، اجبار و اکراه صادق باشد، به گونه‌ای که زن در حین عمل جنسی توانایی عکس العمل و تحرک بنا به خواست خود را نداشته باشد و زن قربانی تجاوز شده است و در اثر این تجاوز باردار شده و حیثیت و شرف اجتماعی او خدشه دار شده است و ادامه بارداری و حضور طفل نامشروع در رحم با ناراحتی‌های روحی و روانی همراه می‌شود و موجب ایجاد نابسامانی و مشکلات متعدد در زندگی خانوادگی و اجتماعی از جمله طلاق، سقط جنین غیرقانونی و خودکشی می‌گردد، در اینجا با تحقق و صدق عنوان حرج و مشقت شدید درحالی که حرج هم مستند به فعل اختیاری خود او نیست، می‌توان قائل به جریان قاعده لاجرح و حکم به جواز و مشروعیت سقط جنین تنها قبل از چهار ماهگی نمود؛ همان طور که برخی از فقها این فتوا را داده اند (خونی و تبریزی، ۱۴۳۶، ج ۹، ص ۲۷۳؛ خمینی، ۱۳۶۸، ص ۴۵۳؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید کاظم حائری بخش استفتانات). آیت الله فاضل لنکرانی در این باره می‌گوید: «اگر دختر احتمال عقلایی بدهد که چنانچه جنین را سقط نکند، مورد آزار و اذیت غیرقابل تحمل قرار می‌گیرد و در عسر و حرج شدید واقع می‌شود، در چنین فرضی بعید نیست که سقط جنین حرام نباشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴). آیت الله تبریزی نیز معتقد است که سقط جنین در صورت ترس از جان و عرض و آبروی خود و خانواده اش و یا افتادن در حرج و مشقت در زندگی، قبل از چهار ماهگی جایز است» (خونی و تبریزی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۲).

۵-۱-۴. سقط جنین و مشکلات اقتصادی و اجتماعی

وضعیت نامطلوب اقتصادی و معیشتی از جمله عواملی است که باعث می‌شود پدر و مادر را متقاعد کند، تا مرتکب عمل زشت سقط جنین شوند. پرواضح است که در شریعت اسلامی این امر مجوز حرام بزرگی چون سقط جنین نخواهد شد و با نگاه دینی، رزق و روزی در دست خداوند متعال است و در آیات



قرآن کریم تأکید شده که به جهت ترس از فقر و بدبختی، هرگز فرزندان خود را نکشید (انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۳۱). در یکی از نامه‌های امام کاظم (ع) نیز اینچنین آمده است: «عن عدة من أصحابنا أحمد بن محمد بن خالد عن بکر بن صالح قال: کتبتُ إلى أبي الحسن: إني اجتنبت طلب الولد منذ خمس سنين وذلك أن أهلي كرهت ذلك وقالت: إنه يشتد على تربيتهم لقلّة الشیء فماتری؟ فکتب إلي: اطلب الولد فإن الله یرزقهم» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۶، ص ۳) «از امام کاظم (ع) در نامه‌ای پرسیدم پنج سال است که از بچه‌دار شدن اجتناب می‌کنم؛ زیرا همسر من از این کار ناخشنود است و می‌گوید: برای من تربیت و نگهداری فرزند با کمبود مالی مشکل است. شما چه می‌فرمایید؟ امام در پاسخ نوشت، در پی فرزندان شدن باش؛ زیرا روزی او را خدا می‌دهد. اطلاقات ادله حرمت سقط جنین این موارد را نیز شامل می‌شود و این امور از ضرورت‌ها و مجوزات شرعی به حساب نمی‌آید. امام خمینی در این باره می‌گوید: دلایلی مانند مشکلات اقتصادی، اجتماعی، تربیت فرزندان، تعدد اولاد و کهنسالی والدین مجوز برای سقط جنین نمی‌شود (خمینی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۸۱). همچنین آیات عظام تبریزی و خوئی (۱۴۳۶ق، ج ۹، ص ۲۷۴)، مقام معظم رهبری (۱۳۸۸، ص ۲۷۹)، به این مطلب تصریح نموده‌اند. آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز در این باره می‌گوید: «در صورت وجود مشکلات اقتصادی، مجوز شرعی برای سقط جنین وجود ندارد و اسقاط آن معصیت دارد و موجب دیه هم هست، قال الله تعالی: وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَطَاءً كَبِيرًا»، شاید همین فرزندی که شخص به فکر سقط آن افتاده است، موجب وسعت رزق و رفع مشکلات زندگی و سعادت دنیا و آخرت پدر و مادر شود، امر رزق و روزی با خداوند متعال است، «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلٍ مَا أَنْكُمْ تَتَطَّقُونَ» (صافی گلپایگانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۵).

۵-۲. سقط جنین بعد از ولوج روح

بعد از دمیده شدن روح در جنین، بر جنین عنوان انسان و نفس صادق است و تمام احکام شرعی که برای سایر انسان‌ها وجود دارد، بر جنین بعد از چهارماهگی نیز وجود دارد، لذا سقط جنین بعد از چهارماهگی مطلقاً حرام است و هیچ یک از مجوزاتی که در قبل از چهارماهگی موجب جواز و مشروعیت سقط جنین بود، همانند حرج روحی و جسمی و ضرر عظیم و ناقص الخلقه بودن جنین و... در صورت ولوج روح جاری نمی‌شود؛ چون در قبل از چهارماهگی با تمسک به قاعده لاجرح یا اضطرار و قاعده لاضرر در بعضی موارد خاصه حکم به جواز سقط جنین شد؛ ولی در بعد از چهارماهگی، این قواعد دیگر جاری نمی‌شود (فیاض، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۴۲)؛ زیرا این قواعد از قواعد امتنانی می‌باشند و نباید از جریان آن‌ها به نفع مسلمانی خلاف امتنان بر دیگران لازم بیاید (بجنوردی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۶۷)؛ درحالی‌که در محل بحث اگر بخواهیم قاعده اضطرار و لاجرح را به نفع مادر جریان بدهیم و حکم به جواز سقط جنین کنیم، از جریان این دو قاعده خلاف امتنان بر جنین لازم می‌آید که اکنون بعد از



ولوح روح بر او عنوان مؤمن و مسلمان و نفس محترمه صادق است و موجب هلاکت و به خطر افتادن جان او می‌شود. همچنین قاعده لاضرر در جایی جاری می‌شود که از جریان آن ضرر بر دیگری لازم نیاید و در محل بحث جریان لاضرر به نفع مادر موجب ضرر بر جنین و هلاکت او خواهد شد (سیستانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۲). بنابراین، بعد از چهارماهگی و دمیده شدن روح حرج و اضطراب و ضرر بر مادر نمی‌تواند مجوز سقط جنین شود. نظریه اکثر فقها این است که سقط جنین بعد از ولوح روح مطلقاً حرام است و حتی اگر جان خود مادر هم در خطر باشد، سقط جنین جایز نخواهد بود. سید یزدی در عروة الوثقی می‌گوید: «و لو خیف مع حیاتها علی کل منهما انتظر حتی یقضی»، اگر خوف حیات هر دو (مادر و جنین) برود، باید منتظر قضاو قدر الهی ماند و حیات هیچ یک بر دیگری ترجیح ندارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۳۹). البته برخی از فقها قائل به جواز مشروط شده‌اند، به این بیان که سقط جنین بعد از ولوح روح تنها در صورتی جایز است که اگر اقدامی برای نجات جان مادر نشود، هر دو خواهند مرد و راهی برای نجات جان جنین به‌تنهایی وجود نداشته باشد، در این صورت می‌توان جان مادر را نجات داد، گرچه جنین بمیرد. امام خمینی می‌گوید: سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست، مگر آنکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوی روح اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست، حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد، مگر آنکه استمرار بارداری حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به‌هیچ‌وجه ممکن نباشد؛ ولی نجات زندگی مادر به‌تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد (مسلمی‌زاده، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۹۴۶). در این صورت فتوا داده‌اند که باید تا آخرین ساعات امکان حفظ حیات مادر منتظر بماند، چنانچه در آن هنگام جنین در وضعی باشد که امکان حیاتش نیست، سقط او جهت حفظ حیات مادر مانعی ندارد (خمینی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۸۶). از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی، مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد، سقط جنین بعد از دمیده شدن روح جایز نیست؛ حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد، مگر آنکه استمرار بارداری حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به‌هیچ‌وجه ممکن نباشد؛ ولی نجات زندگی مادر به‌تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۲۷۸). همچنین آیات مکارم شیرازی (۱۴۲۷ق/ الف، ج ۱، ص ۴۵۹) و سبحانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سبحانی بخش استفتائات) نیز همین فتوا را داده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

یکی از مسائل بسیار مهم و اثرگذار در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی، اجتماعی و تعامل‌ها و روابط بین افراد، «امنیت» و نقش زیربنایی و مهم آن است؛ تا آنجا که در قاموس اندیشه اسلام نعمت امنیت از اساسی‌ترین نیازهای بشر در زندگی دنیوی و بستر ساز کسب دیگر نعمت‌ها شمرده شده است. البته امنیت



عینی زمانی اثربخش است که وجود آن احساس شود و افراد از نظر روانی هم احساس امنیت کنند. در این میان، خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی و زیربنای جوامع است که پرداختن به آن، همواره موجب ارتقای امنیت، اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از احساس آرامش و امنیت، حیات حقیقی و سقوط و نابودی او بوده است. در این میان از جمله مسائل دنیای معاصر و مدرن، افزایش سقط جنین عمدی است که باتوجه به حرمت نفس، حق حیات جنین و آسیب های جدی که برای سلامت و امنیت جسمی و روانی خانواده دارد، از منظر فقه های شیعه تکون انسان از زمان استقرار نطفه در رحم آغاز می شود و براساس دیدگاه کلی فقه شیعه، براساس آیات، روایات و ادله عقلی، عدم جواز یا حرمت سقط جنین در هر یک از مراحل تطور و تحول جنین قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح می باشد. تنها تفاوتی که بین قبل ولوج روح قبل چهارماهگی و بعد ولوج روح می کند، این است که در قبل از چهارماهگی و ولوج روح با عروض برخی از عناوین فقهی در موارد خاص اجازه سقط جنین را داده اند، برخلاف بعد چهارماهگی و ولوج روح که سقط جنین حرام می باشد. بنابراین، سقط جنین عمدی تنها در صورت حفظ حیات و سلامتی مادر، ناقص الخلقه بودن و معلولیت های جسمی و روحی جنین، با تمسک به قاعده لاحرج و لاضرر تنها قبل از ولوج روح جایز است و سقط جنین باهدف حفظ آبرو، حیثیت و شأنت اجتماعی یا به دلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی جایز نیست و اطلاعات ادله حرمت سقط جنین این موارد را نیز شامل می شود. این در حالی است که سقط جنین بعد از چهارماهگی مطلقاً حرام است و هیچ یک از مجوزاتی که در قبل از چهارماهگی موجب جواز و مشروعیت سقط جنین بود، همانند حرج روحی و جسمی و ضرر عظیم و ناقص الخلقه بودن جنین و... در صورت ولوج روح جاری نمی شود.



منابع

قرآن کریم

- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. محقق: هارون عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۳.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر، ج ۷.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۸.
- بجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۳۸۳). قواعد فقهیه. تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
- تبریزی، جواد (۱۴۲۶ق). فقه الاعذار الشرعیة. قم: دار الصدیقه الشهیده.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم ودررالكلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جرجس، جرجس (۱۹۹۶م). معجم المصطلحات الفقهیة والقانونیة. مصحح: انطوان ناشف. بیروت: الشركة العالمية للكتاب.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الاسلامی. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ج ۵.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (بی تا). وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشیعة. قم: انتشارات آل البيت لإحياء التراث، ج ۲، ۲۸-۲۹، ۲۶.
- حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۳۹۲). فقه الصادق. قم: نشر آیین، ج ۲۴.
- حکیم، محمدسعید (۱۴۳۱ق). مرشد المقترب. بیروت: دارالهلل.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸). اجوبه استفتانات. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- خرازی، سید محسن (۱۴۲۰ق). تحدید النسل والتعقیم (القسم الثاني). فقه اهل البيت، (۱۵)، ص ۹۷-۱۲۳.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). توضیح المسائل. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۶). استفتانات. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار امام خمینی، ج ۳.
- خویی، ابوالقاسم؛ تبریزی، جواد (۱۴۳۶ق). صراط النجاه. قم: دارالصدیقه الشهیده، ج ۹، ۱.
- خویی، سید ابوالقاسم، تبریزی، جواد (۱۳۹۱). احکام جامع مسائل پزشکی. قم: دارالصدیقه الشهیده.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
- زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). تاج العروس. محقق: علی شیر. بیروت: دارالفکر، ج ۱۰.
- سادلر، توماس (۲۰۱۹م). جنین شناسی پزشکی لانگمن. مترجم: فردین عمیدی. بی نا.
- سبحانی، جعفر (بی تا). منشور جاوید. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۱.
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الاحکام. قم: بی نا، ج ۲۹، ۲۵.
- سیستانی، سید محمدرضا (۱۴۲۸ق). وسائل المنع من الانجاب. بیروت: دارالمورخ العربی.
- شاملو، سعید (۱۳۷۸). بهداشت روان. تهران: رشد.
- شریفی، محمدرضا (۱۳۷۶). خانواده متعادل. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (بی تا). جامع الاحکام. قم: دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی.



- صدر، سید محمد (۱۴۳۰ق). *ماوراء الفقه*. بیروت: دارالاضواء، ج ۸.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: انتشارات جامعه المدرسین، ج ۱.
- صمدی ارزگانی، قنبرعلی (۱۳۸۷). امنیت مهدوی، الگوی جامعه امن. مشرق موعود، شماره ۶، ص ۷۳-۸۲.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البت (ع)، ج ۱۴.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۳۰ق). *العروة الوثقی*. قم: مؤسسه السبطين، ج ۱.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۹.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. محقق: احمد حسین اشکوری. تهران: مرتضوی، ج ۱.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۹). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیة*. بی‌جا: مجمع‌الفکر الاسلامی، ج ۸.
- عباسی، محمود (۱۳۹۴). *مطالعه تطبیقی سقط جنین*. انتشارات حقوقی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۶). *احکام پزشکان و بیماران*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فاضل لنکرانی، محمد (بی‌تا). *جامع المسائل*. قم: نشر امیرالعلم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت، ج ۵، ۳.
- فیاض، محمداسحاق (۱۳۷۸). *منهاج الصالحین*. قم: مکتبه آیت‌الله العظمی محمد اسحاق فیاض، ج ۳.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: مؤسسه دارالهجرة، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). *الکافی*. قم: دارالحديث، ج ۳.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق/ الف). *ارشاد السائل*. بیروت: دارالصفوة.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق/ ب). *مختصر الاحکام*. قم: دارالقرآن الکریم.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم والمواعظ*. قم: دارالحديث.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۴ق). *روضة المتقین*. قم: دارالکتاب الاسلامیة، ج ۷۵، ۱.
- محسنی، محمد آصف (۱۳۸۴). *الفقه و مسائل طبیة*. قم: بوستان کتاب، ج ۱.
- مرتضوی، محسن (۱۳۹۹). *پیشگیری از بارداری و سقط درمانی در آئینه فقه*. حوزه علمیه خراسان.
- مرعی، حسین عبدالله (۱۴۱۳ق). *القاموس الفقهی*. بیروت: دارالمجتبی.
- مسلمی‌زاده، طاهره (۱۳۹۱). *توضیح المسائل محشی (شش مرجع)*. انتشارات هاتف، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق/ ب). *استفتانات جدید*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ق). *احکام النساء*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق/ الف). *الفتاوی الجدیده*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). *بحوث فقهیه هامه*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- موحد، مجید (۱۳۹۳). *مطالعه عوامل فرهنگی مرتبط با نگرش به سقط جنین عمدی*. جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۱، ص ۸۰-۹۷.
- مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ق). *کلمات سدیة*. قم: انتشارات جامعه المدرسین.



- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۲ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائح الاسلام*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۴۳.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۷ق). *مستدرک الوسائل*. مؤسسه آل البيت، ج ۱۸.
- وجدانی فخر، قدرت الله (بی تا). *الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة*. بیروت: نشر الأمیرة، ج ۱۵.